



# مهارت های زبانی در کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر و کودکان عادی اصفهان

• مهدی خانبانی  
دانشجوی کارشناسی ارشد کودکان استثنایی



## چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی خطاهای تولیدی گفتار (خطاهای حذف، جانشینی و کژگویی) در میان کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر و مقایسه آن با کودکان عادی انجام گرفته است. هدف این پژوهش به دست آوردن آمار صحیحی از خطاهای تولیدی گفتار و کمک به برنامه ریزان و گفتار درمان گران بود. روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی می باشد که شامل مجموعه روش هایی است که هدف آنها توصیف شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. جامعه آماری ما در پژوهش حاضر کلیه کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر و دانش آموزان عادی دبستانی که در شهر اصفهان مشغول به تحصیل بوده اند می باشد، که از این تعداد یک صد نفر به صورت تصادفی خوشه ای انتخاب و پژوهش بر روی آنها انجام گرفت. ابزار پژوهش یک پرسشنامه اطلاعات شخصی درباره ی کودکان و دیگری استفاده از چهار داستان مصور برای به دست آوردن اطلاعات صحیح درباره چگونگی تولید آوای گفتاری می باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که میزان بروز خطاهای کیفی گفتاری در نزد کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر به طور معنی داری بالاتر از خطاهای جانشینی و خطاهای حذف می باشد همچنین نتایج این پژوهش نشان می دهد کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در تولید آواچار مشکل هستند. همین نتایج نشان می دهد میانگین بیان تعداد کل کلمه ها و میانگین نسبت انواع کلمه ها به تعداد کل کلمه ها در دو گروه کودکان عادی و کم توان

ذهنی تفاوت معناداری نشان می دهد.

## مقدمه

عنایت کامل به کودکان یک جامعه از مهمترین مسائل و از بهترین سرمایه گذاری ها برای آینده آن جامعه محسوب می شود. امروزه کودکان استثنایی به ویژه کودکان کم توان ذهنی، مورد توجه خاص قرار دارند. توجه جدی به کودکان معلول جسمی و ذهنی متضمن سرمایه گذاری های قابل توجه از سوی دولت ها می باشد. چنین توجهی خود مستلزم فراهم آوردن تمهیدات لازم و تربیت نیروی انسانی متخصص در زمینه های متعدد می باشد. در میان افراد کم توان ذهنی، کودکان و جوانان موسوم به کم توان ذهنی آموزش پذیر جایگاهی ویژه دارند. این کودکان حدود ۲ درصد از تعداد کل کودکان سنین مدرسه رو را تشکیل می دهند (افروز، ۱۳۷۹).

بهره هوشی آنان حدود ۵۵-۵۰ تا ۷۵-۷۰ می باشد و به دلیل آنکه شناسایی و تشخیص دقیق کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در سنین پایین به ویژه قبل از دبستان و دوره های اول دبستان بسیار مشکل می باشد تعداد قابل توجهی از آنان در مدارس معمولی ثبت نام می کنند. البته به تدریج با مشکل شدن درس این افراد کم توانی ذهنی خود را نشان می دهند (افروز، ۱۳۷۹). این افراد از لحاظ دانستن لغات ضعیف اند، مفاهیم را خوب درک نمی کنند. کلام عادی ندارند، از لحاظ عاطفی واکنش های لازم را به دست نمی آورند (میلانی فر، ۱۳۸۰).

توان ذهنی آموزش پذیر و مقایسه آن با کودکان عادی می باشد. در واقع اگر مشخص شود که کودک کم توان ذهنی آموزش پذیر در بیان گفتاری خود در چه شاخص های کیفیت گفتار دارای خطای گفتاری است، بی شک در آموزش به او شمر ثمر می باشد. اهمیت این پژوهش از این مورد ناشی می شود که برنامه ریزان کتاب های درسی و گفتار درمان گران و معلمان کودکان استثنایی باید بدانند تکیه آنها بر چه مواردی باید باشد و دیگر اینکه نقطه آغازین برای رفع نقایص گفتاری در کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در چه مسیری باشد، همچنین شیوه های آموزشی برای بهبود گفتار و بیان در نزد کودکان کم توان ذهنی که می تواند باعث پذیرش آنها در جامعه و برقراری ارتباط مناسب با سایر افراد جامعه گردد و راهبردی باشد و دربرای به کارگیری روش های درمانی مناسب با مشکل کودک.



اهمیت و ضرورت مطالعه و بررسی ها در زمینه زبان به این مسأله برمی گردد که یکی از عمده مشکلات کودکان کم توان ذهنی و ناتوانی در برقراری ارتباط با گروه همسال در نتیجه طرد آنها می باشد. شناخت بیشتر مشکلات گفتاری، همچنین به کارگیری برنامه های مناسب برای رفع نقایص بیانی گفتار از موارد مهم کار با کودکان کم توان ذهنی می باشد.

#### متغیرهای مورد بررسی

شاخص های کیفیت گفتار و شاخص های آسیب شناختی  
 ۱- تعداد کلمه ها: منظور از این متغیر تعداد کلمه ها موجود در متن است با تعداد کلمه هایی است که آزمودنی آن را به کار می برد چون در حین خواندن متن کودک ممکن است کلماتی را حذف کند. هدف ما شمارش تعداد کلمه های مورد استفاده توسط آزمودنی است.

۲- تقسیم بندی کلمه ها: بدین معنی که آزمودنی در حین

به طور کلی باید گفت این کودکان در مهارت های زبانی دچار تاخیر هستند. به طور مثال از ۹ ماهگی تا ۱ سالگی که مرحله تقلید صداها در کودکان عادی است، این کودکان بدون اینکه کلمه ها برای آنها معنی و مفهوم داشته باشد، به تکرار بی معنی می پردازد. کودکان استثنایی در مهارت های زبانی هم مثل سایر موارد دچار تاخیر هستند. مشکلات زبانی و مهارت های زبانی حتی در کودکان و بزرگسالان عادی هم به فراوانی دیده می شود.

این امر از این مسأله ناشی می شود که به طور مثال عوامل مؤثر در مشکلات کاربرد بیان زبان همیشه صرفاً زبان شناختی نیستند. مهارت های زبان شناختی پیچیده، چند بعدی و نیازمند هماهنگی مهارت های گوناگونی در حوزه های درکی، حرکتی، شناختی و اجتماعی هستند. پرواضح است که کودکان کم توان ذهنی در مهارت های ذکر شده دارای مشکل هستند و اغراق نیست بگویم یکی از مهمترین مشکلات در کودکان کم توان ذهنی مهارت های ارتباطی و گویایی است.

از آنجا که زبان یکی از ابزارهای عمده ای است که ارتباط به وسیله آن صورت می گیرد، کودکانی که مشکلات زبانی دارند مشکلات ارتباطی نیز دارند.

در هر حال تاخیر در رشد گویایی در کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر امری مشخص است و از آنجایی که صحبت کردن یکی از مهمترین کنش های ذهنی کودکان است، فقدان آن در سنین مورد نظر، در کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر می تواند نشانه ای کاملاً بارز از کم توانی ذهنی این کودکان باشد، اگر چه همیشه تأخیر در رشد گویایی، به تنهایی دلیل کم توانی ذهنی در کودکان نمی باشد.

در مورد فراگیری زبان نیز دستیابی به راههای مناسب می تواند یاریگر آنها برای کسب و پیشرفت هر چه بیشتر مهارت های زبانی باشد و آنان را بر مشکلات ناشی از نبود و یا نقص زبان با توجه به رابطه میان زبان و تفکر، نقش زبان در روابط اجتماعی، فائق نماید. اما یافتن راه و روش های مناسب آموزشی و درمانی خود مستلزم انجام مطالعات و پژوهش های وسیع می باشد.

با توجه به اهمیت زبان و ضرورت شناخت هر چه بیشتر ماهیت آن و نیز با در نظر داشتن اهمیت و لزوم برنامه ریزی های مناسب برای رفع نقایص آن مهارت های زبانی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر، برای بررسی انتخاب شدند. بر اساس پرونده های موجود کودکان در مدارس از نظر بهره ی هوشی تمامی کودکان در فاصله میان ۵۵-۵۰ تا ۷۵-۷۰ قرار دارند.

مسأله مورد نظر در این پژوهش، بررسی شاخص های کیفیت گفتار و شاخص های آسیب شناختی گفتار در گروه کودکان کم





ریزی و امر آموزش به متخصصان کودکان کمک ویژه ای کند. همچنین کمک به گفتار درمان گران و متخصصان درمان مشکلات گفتاری از دیگر هدف های تحقیق حاضر می باشد.

مقایسه سنین آغاز فعالیت های حرکتی و فعالیت های گفتاری در بسیاری از مطالعات از جمله، مطالعات کارلین<sup>۱</sup>، نشان داد که برخی از کودکان کم توان ذهنی در زمینه تولید آواها دچار مشکل هستند و دوره ی نقص در تولید را طولانی تر از کودکان عادی می گذرانند. کارلین و کارلین<sup>۲</sup> (۱۹۷۳) دریافتند که شایع ترین خطاهای تولیدی در این کودکان حذف و جابجایی صداهاست. روندال<sup>۳</sup> (۱۹۷۸)، در پژوهش خود نتیجه گرفت در کودکان کم توان ذهنی مهارت های تولیدی پیشرفت کمتری از کودکان بهنجار دارد و دیگری اینکه آنها را می توان از میزان بیشتر گفتارهای نامفهوم شناخت.

نتایج مطالعات ماندی<sup>۴</sup> (۱۹۸۸) نشان داد که کودکان کم توان ذهنی دارای تحول ابتدایی تر مهارت های زبانی هستند. روش تحقیق

از آنجا که هدف این پژوهش جمع آوری، بررسی و تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به مهارت های زبانی می باشد و دیگر اینکه دو گروه فقط در یک مورد تفاوت ندارند، بهترین روش تحقیق، روش توصیفی - پیمایشی است که شامل مجموعه روش هایی است که هدف از آنها توصیف شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. پدیده ی مورد بررسی در پژوهش حاضر وضعیت، شرایط و چگونگی گفتار نزد کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر و کودکان عادی می باشد که به این دلیل برای توصیف شرایط از روش توصیفی - پیمایشی استفاده گردیده است.

#### جامعه آماری

جمعیت مورد مطالعه کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر و کودکان عادی هستند که در نیمه دوم سال تحصیلی ۸۲-۸۳ در مدارس استثنایی و عادی شهر اصفهان مشغول به تحصیل می باشند.

#### نمونه و روش نمونه گیری

از میان جمعیت مورد مطالعه یک گروه ۵۰ نفری از دانش آموزان استثنایی و در مقابل یک گروه ۵۰ نفری دیگر از دانش آموزان عادی به طور تصادفی به عنوان گروه آزمایشی انتخاب شدند. سن این گروه از کودکان کم توان ذهنی از ۷ سال و تا ۱۰ سال و ۶ ماه می باشد و کودکان عادی دامنه سنی آنها از ۷ سال تا ۱۰ سال تمام قرار دارند میانگین سنی کودکان کم توان ذهنی ۸ سال و ۲ ماه و میانگین سنی کودکان عادی ۸ سال و ۵ ماه می باشد.

آزمون کدام یک از انواع کلمه ها که عبارت اند از: اسامی، افعال، صفات و... را بیشتر به کار می برد و کدام یک را بیشتر در نمونه گفتاری حذف می کند.

۳- میانگین تعداد کلمه ها: منظور از این بخش تقسیم نمونه های مجزا شده در قسمت دوم، جمع آوری انواع کلمه ها و تقسیم کردن آن بر قسمت (۱) که تعداد کل کلمه های موجود در متن است. ۴- منظور تعداد کل فعل هایی است که آزمودنی آن را بیان می کند و در متن هم موجود می باشد.

۵- منظور از این قسمت تسلط آزمودنی بر قواعد نحوی زبان است که با تقسیم تعداد کل کلمه ها که در قسمت (۱) می باشد بر تعداد کل گفته ها در آزمودنی به دست می آید.

۶- حذف تکواژه ها: منظور از این قسمت این است که در طول اجرای آزمون ممکن است آزمودنی اقدام به حذف تعدادی از واژه های متن آزمون بکند که توسط محقق ثبت می شود.

۷- در طول اجرای آزمون ممکن است آزمودنی تعدادی موارد غیر دستوری خارج از متن را در بیان گفتاری خود ادا کند که توسط محقق ثبت می شود.

۸- در طول اجرای آزمون کودک ممکن است در بیان گفتاری دچار لغزش زبانی که شامل تکرار پی در پی هجای کلمه ها یا تکرار عبارت ها گردد که توسط محقق ثبت می شود.

#### هدف های تحقیق

به دست آوردن آمار صحیحی از خطاهای تولیدی سه گانه ی حذف، جانشینی و کژگویی در تولید واژه ها و همچنین همخوان های گفتاری در سه موقعیت اول، وسط و آخر کلمه ها. با اجرای آزمون، خطاهای تولیدی و نوع آن در صورت وجود خطا مشخص می شود.

با انجام پژوهش حاضر آمار مناسبی از تعداد خطاهای کودکان عادی و کم توان ذهنی آموزش پذیر به دست می آید. به دست آوردن مکان های دقیق خطاهای گفتاری می تواند در برنامه

**پرواضح است که کودکان کم توان ذهنی در مهارت های ذکر شده دارای مشکل هستند و اغراق نیست بگوییم یکی از مهمترین مشکلات در کودکان کم توان ذهنی مهارت های ارتباطی و گویایی است**

روش نمونه گیری در این پژوهش، روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای به صورت انتخاب تصادفی است. بدین ترتیب که از بین نواحی پنج گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان و هم نواحی استثنایی شهر اصفهان پنج دبستان انتخاب و از هر مدرسه یک کلاس انتخاب گردید و از هر کلاس ۱۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و بدین ترتیب یک صد نفر انتخاب گردیدند. لازم به ذکر است کلیه کودکان استثنایی از کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر انتخاب شدند.



#### ابزار پژوهش :

الف) برای کسب اطلاعات کافی برای تغییر دقیق تر نتایج و آگاهی از عواملی که احتمالاً ممکن است در چگونگی یافته های به دست آمده به طور مستقیم یا غیر مستقیم مؤثر باشد، در مورد هر آزمودنی، پرسشنامه ای محقق ساخته شامل سؤال هایی درباره ی مشخصات فردی کودک و والدین، تاریخچه پزشکی و آموزشی توسط محقق تهیه و به وسیله والدین و مسئولین مدرسه پاسخ داده شد.

ب) با استفاده از چهار داستان مصور سعی شد تا زمینه مشترکی برای آزمودنی ها فراهم شود. دلیل انتخاب این داستان ها آشنایی هر دو گروه با این داستان بود و دو داستان دیگر بر عکس روش قبلی به شکلی انتخاب شدند که برای کودکان هر دو گروه دارای مطالب نا آشنا بود. ضمناً دو داستان بعدی دارای تصاویری داستانی و حادثه ای از وقایع هستند. ۲ داستان اول که هر گروه با آن آشنا بودند از کتاب فارسی و آزمودنی ها متناسب با سن آنها انتخاب گردید. در دو داستان اول سعی بر این بود داستانی انتخاب شود که از تعداد کلمه های مساوی بهره ببرند تا به جریان اصلی آزمون لطمه وارد نشود. در ضمن سعی بر این بود که داستانی باشد که از نظر درجه دشواری متناسب با پایه تحصیلی آنان باشد. این ۲ داستان مصور بوده و تصاویر موجود در هر گروه به یک تعداد می باشد و

تصاویر در جریان متن اصلی قرار دارند، یعنی تصویرها مربوط به متنی است که توسط آزمودنی خوانده می شود. ۲ داستان بعدی به طور کلی با داستان های قسمت ۱ و ۲ تفاوت داشت به این نحو که این داستان ها برای کودک نا آشنا بودند و حاوی مطالب جدید، داستان ها و حوادثی بودند که آزمودنی با آن آشنایی نداشت. تصاویر ۲ داستان پایانی مربوط به همان وقایع اتفاق افتاده در داستان می باشند.

نحوه ی انتخاب داستان ها بر این اساس است که دو داستان اول به عنوان عامل مثبت برای جلب همکاری و تشویق کودک برای ادامه همکاری در آزمون است و دو داستان مصور دیگر با ارایه موارد تازه و جدید می تواند همراه با ۲ داستان اول ترکیب مناسبی از گفتار کودکان فراهم آورد.

برای به دست آوردن اطلاعات، در مورد چگونگی تولید آواهای گفتاری از متن تصویر دار استفاده شده است. اجرای آزمون با ارائه تصاویر به آزمودنی ها و نامیدن تصاویر توسط آنها صورت می گیرد. تصاویر به نحوی انتخاب شده اند که بتواند از چگونگی تولید واژه ها و همچنین همخوان های گفتاری در ۳ موقعیت اول، وسط و آخر کلمه ها اطلاعاتی به دست دهد. اطلاعات در مورد خطاها در حین ادای کلمه ها توسط محقق ضبط گردیده و سپس از خطاها یادداشت برداری شده است. همچنین با اجرای آزمون خطاهای تولیدی و نوع آن در صورت وجود خطا مشخص می گردد. خطاهای تولید ممکن است از نوع حذف، جانشینی یا کیفی باشد.

به همین نحو در صد و نسبت خطاهای گفتاری در نحوه ی گفتار و اینکه در کدام کلمه ها و به چه صورتی ادای می شود به دست آمد. همچنین در انتخاب داستان ها سعی گردیده است داستان هایی انتخاب شود که از تمامی حروف در آنها به یک اندازه به کار رفته باشند تا بتوانیم آمار درستی داشته باشیم. در این قسمت برای تمامی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر و کودکان عادی محیط یکسانی تهیه گردیده بود که اتاقی خالی از وسایل و محرکها بود و باعث می شود توجه آزمودنی صرفاً به مسئله مورد بررسی جلب شود. در هنگام جمع آوری اطلاعات به همراه کودک فقط به یک نفر در اتاق بوده است و صدای کودک در حین انجام آزمون بر روی نوار ضبط می گردید.

خطای حذف در مواردی است که صدای مورد نظر تولید نشده و هیچ صدای دیگری جانشین آن نمی گردد (مانند روز به جای رز).

خطای جانشینی در مواردی است که یک صدای استاندارد به غلط جانشین صدای دیگر می شود (مانند ریوان به جای لیوان).





## همیشه تأخیر در رشد گویایی، به تنهایی دلیل کم توانی ذهنی در کودکان نمی باشد

خطای کیفی هنگامی وجود دارد که به جای یک صدای استاندارد، صدای غیر استاندارد تولید می شود (مانند تلام به جای سلام).

### روش تحلیل داده ها

در پژوهش حاضر داده های جمع آوری شده با استفاده از روش های موجود در آمار توصیفی و استنباطی (آزمون آماری) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### یافته ها

به طور کلی یافته های این پژوهش در ۲ بخش ارائه می شود:  
۱- یافته هایی در مورد تعداد و انواع کلمه ها در گروه کم توان ذهنی آموزش پذیر و مقایسه آن با گروه کودکان عادی.

تعداد کل کلمه ها: در باره تعداد کل کلمه ها در گروه کم توان ذهنی آموزش پذیر میانگین ۱۳۸ و در گروه کودکان عادی میانگین ۱۸۹ به دست آمد. نتیجه حاصل از مقایسه میانگین ها حاکی از تفاوت معنی دار در میان دو گروه عادی و کم توان است. تفاوت در سطح اطمینان ۰/۹۹۸ به دست آمد و حاکی از معنی دار بودن تفاوت میان دو گروه عادی و گروه کم توان ذهنی آموزش پذیر است.

میانگین تعداد کلمه ها در میان کودکان کم توان ذهنی به شکل معنی داری کم تر از کودکان عادی است و این مسأله نشان می دهد که کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در بیان تعداد کل کلمه ها توانایی کمتری نسبت به کودکان عادی دارند.

انواع کلمه ها: در باره ی تعداد انواع کلمه ها موجود در متن میانگین گروه کم توان ۶۷۲ و میانگین گروه عادی ۹۷۴ به دست آمد. نتایج حاکی از این است از لحاظ آماری تفاوت در سطح ۰/۹۴۴ معنی دار است و حاکی از وجود تفاوت در میانگین های ۲ گروه می باشد. این مسأله بدین معنی است که گروه کم توان ذهنی در خواندن متنی که تعداد لغت ها برابر با کودکان عادی دارد کلمه ها کمتری را بیان می کند.

میانگین گروه کم توان ذهنی آموزش پذیر نشان می دهد بیان انواع کلمه هایی که در متن (دارای تصویر یا فاقد تصویر) وجود دارد نسبت به کودکان به طور معنی داری کمتر است. انواع کلمه ها در میان کم توان ذهنی آموزش پذیر به شکل معنی داری کمتر از گروه عادی است و گروه کم توان ذهنی از انواع کلمه های کمتری در خواندن استفاده می کنند.

نسبت انواع کلمه ها به تعداد کل کلمه ها: در باره این نسبت میانگین گروه کم توان ۰/۵۸۲ و در گروه کودکان عادی ۰/۶۱۱ به دست آمد و حاکی از معنی دار بودن تفاوت میان دو گروه عادی و کم توان ذهنی است.

این نسبت که از تقسیم کلمه های به کار برده شده توسط

آزمودنی بر تعداد کل کلمه های موجود در داستان به دست آورد حاکی از این مسأله است که کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر به شکل معنی داری پایین تر از گروه کودکان عادی هستند.

تعداد کل فعل ها: در باره تعداد کل فعل ها میانگین گروه کم توان ذهنی ۳۰/۱۷ و میانگین گروه کودکان عادی ۴۶/۹ به دست آمد. تفاوت در سطح اطمینان ۰/۹۹۸ به دست آمد و حاکی از معنی دار بودن تفاوت میان دو گروه عادی و گروه کم توان ذهنی آموزش پذیر است.

میانگین تعداد کل فعل ها همان طور که نتایج در جدول ۱- نشان می دهد به طور معنی داری در گروه کم توان ذهنی پایین تر از گروه عادی است و نشان می دهد کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر نسبت به کودکان عادی بیان مطالب از فعل های کمتری در نمونه گفتاری خود استفاده می کنند.

میانگین طول گفته: در مورد میانگین طول گفته در کودکان عادی ۵/۸۸ و میانگین کم توان ۳/۰۴ به دست آمد. نتیجه به دست آمده حاکی از تفاوت در سطح معنی داری ۰/۹۹۸ می باشد و بیانگر وجود تفاوت معنی دار در میانگین طول گفته در دو گروه عادی و کم توان ذهنی آموزش پذیر است.

همان طور که نتایج در جدول ۱- نشان می دهد میانگین طول گفته که از تقسیم تعداد کل کلمه ها بر تعداد کل گفته ها در بیان گفتاری آزمودنی به دست می آید، کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در مقایسه با کودکان عادی از میانگین طول گفته کمتری برخوردارند.

حذف تکواژه ها: در مورد میانگین حذف تک واژه ها در کودکان عادی ۶/۳ و در کودکان کم توان ذهنی ۷/۴۴ به دست آمد و در سطح معنی داری ۰/۹۹۸ که نشان می دهد دو گروه عادی و کم توان ذهنی دارای تفاوت معنی دار بودند.

همان طور که نتایج در جدول ۱- نشان می دهد کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در بیان خود در مقایسه با کودکان عادی تک واژه های زیادی را حذف کرده اند و موارد حذف تک واژه ها حاکی از تفاوت میان دو گروه می باشد.

حذف موارد غیر دستوری: در باره میانگین موارد غیر دستوری در گروه عادی ۲/۶ و در گروه کم توان ذهنی ۲/۷ می باشد که حاکی از عدم وجود رابطه معنی دار می باشد.

همان طور که نتایج در جدول ۱- نشان می دهد کودکان کم

توان ذهنی آموزش پذیر از واژه های غیر معمول زیادی در گفتار خود استفاده کرده اند نتایج حاکی از معنی داری تفاوت میان این ۲ گروه است.

لغزش زبانی: در مورد میانگین لغزش کلامی در گروه کودکان عادی ۲/۹۱ و در گروه کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر ۲/۳۷ به دست آمد که از نظر آماری تفاوت معنی داری میان دو گروه

مشاهده شد. همان طور که نتایج در جدول ۱- نشان می دهد کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر موارد متعدد و زیادی از تکرارهای بی بی و نابه جا در هجای کلمه ها داشته اند و نسبت به گروه کودکان عادی دارای لغزش های فراوان کلامی می باشد.

۲- یافته هایی درباره تعداد خطاهای تولیدی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در تولید همخوان های گفتاری بر اساس نوع

جدول شماره ۱- شاخص های آماری درباره متغیرهای مورد مطالعه در هر دو گروه

متغیرهای مورد بررسی	میانگین گروه کم توان ذهنی	میانگین گروه عادی	تفاوت میانگین های دو گروه	خطای معیار	ملاک وجود یا عدم وجود تفاوت	سطح معنی داری
تعداد کل کلمه ها	۱۲۸	۱۸۹	۸۶/۴	۱۶/۴۳۸	۵/۸۸	۰/۹۹۸
انواع کلمه ها	۶۱/۲	۹۸/۴	۱۹/۰۹	۱۹/۱۳	۲	۰/۹۴۴
نسبت انواع کلمه ها به تعداد کل	۰/۶۱۱	۰/۵۸۲	۰/۰۴۱	۲/۲۱	۱/۹۹	۰/۰۰
تعداد کل فعل ها	۳۰/۱۷	۴۶/۹	۱۸/۴۸	۴/۸۷	۴/۰۶	۰/۹۹۸
میانگین طول گفت	۳/۰۴	۵/۸۸	۳/۲۹	۰/۴۳	۷/۹۳	۰/۹۹۸
حذف تکواژه ها	۱/۴۴	۶/۳	۴/۲	۱/۴۲۲	۴/۷۲۷	۰/۹۹۸
موارد غیر دستوری	۲/۶	۲/۷	۱/۷	۰/۸۲۳	۲/۱۵۶	۰/۹۴۵
لغزش زبانی	۳/۳۷	۳/۹۱	۰/۶۱	۱/۳۶۶	۰/۵۱۲	۰/۰۰



خطا و جایگاه صدا.

اینکه در مورد هر صدا انواع خطاهای مختلف تولیدی در چه تعداد از کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر وجود دارد در جدول

شماره (۲) آمده است. همان طور که نتایج جدول نشان می دهد در

تمامی صداهای گفتاری به طور کامل درصد انواع خطاهای تولیدی عبارت اند از: خطاهای کیفی ۶۴ درصد، خطاهای





جدول (۲) تعداد خطاهای کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در تولید صداهای گفتاری بر اساس نوع خطا و جایگاه صدا

خطاهای حذف			خطاهای جانشینی			خطاهای کیفی			خطاهای تولیدی صداها	
						۱۲	۱۵	۱۶	/s/	
			۱	۲	۱	۱۲	۱۴	۱۶	/z/	
۴	۲	۱	۴	۲	۲	۱۱	۱۳	۱۲	/sʰ/	
۱				۲		۱۰	۶	۱۰	/Cʰ/	
	۱		۳	۳	۳	۱۴	۹	۱۱	/ʒʰ/	
۱	۱	۲				۹	۱	۶	/x/	
۵	۲	۱	۱	۱	۲	۱	۱	۳	/q/	
۳	۲	۳		۱					/t/	
۲	۱	۱						۲	/d/	
۲	۲	۲	۱	۱	۲				/n/	
		۱		۱					/l/	
۲	۹	۶	۱	۴	۲	۱	۷	۹	/t/	
			۲	۶	۳	۱	۱	۲	/k/	
			۱	۲				۲	/g/	
			۳	۱		۲	۱	۷	/f/	
۲	۱	۲	۱						/v/	
			۲						/p/	
				۱					/b/	
	۱	۲	۲	۲					/m/	
			۱	۱					/n/	
			۳	۳					/ŋ/	
			۱	۲					/i/	
						۱۰	۱۴	۱۱	/y/	
۴۱۸	۲۴	۲۲	۱۹	۳۰	۳۶	۱۵	۸۲	۸۲	۱۰۷	جمع

کودکان کم توان ذهنی از تعداد کمتری کلمه برای توصیف تصاویر استفاده کردند. همچنین این گروه از تنوع کلمه‌های کمتری نیز نسبت به گروه عادی استفاده کردند. همچنین این نتایج با تحقیقات کارلین و کارلین (۱۹۷۳) و مورلی (۱۹۷۲) همخوانی می‌باشد.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد درباره‌ی نسبت انواع کلمه‌های به کاررفته توسط آزمودنی بر تعداد کل کلمه‌های

جانشینی ۱۹/۲ درصد و خطاهای حذف ۱۵/۸ درصد می‌باشد. که نشان می‌دهد خطاهای کیفی بیشترین موارد خطا را در گروه کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر به خود اختصاص می‌دهد.

#### بحث و نتیجه گیری

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد درباره‌ی تعداد کل کلمه‌ها و انواع کلمه‌ها تفاوت معنی داری میان دو گروه کم توان ذهنی آموزش پذیر و گروه کودکان عادی مشاهده گردید. یعنی گروه



موجود نتایج معنی دار بود، بدین معنی که تعداد کل کلمه ها و انواع کلمه ها در گروه کم توان ذهنی کمتر از عادی بود. این نتایج با تحقیقات مورلی (۱۹۷۲) و پار دیس (۱۹۸۷) همخوان می باشد.

همان طور که نتایج نشان می دهد تسلط بر قواعد نحوی زبان مربوط به میانگین طول گفته می باشد که در گروه کم توان ذهنی آموزش پذیر میانگین برابر با ۳/۰۴ و در گروه کودکان عادی میانگین برابر با ۵/۸۸ است که تفاوت معنی دار است و نشان می دهد گروه کم توان ذهنی تسلط کمتری به قواعد نحوی زبان دارد. همچنین این نتایج با تحقیقات کارلین و کارلین (۱۹۷۳) و روندال (۱۹۸۸) همخوان می باشد، به این صورت که این نتایج مؤید همبستگی مثبت بین افزایش سن عقلی و بیان طول گفته و میزان پیچیدگی و جملات قوی می باشد.

همان طور که نتایج نشان می دهد معنی داری تفاوت در میان دو گروه کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر و عادی مربوط به تعداد فعل ها به کار برده شده در نمونه گفتاری می باشد که تعداد فعل ها نشان گر پیچیدگی گفتاری می باشد. این نتایج با تحقیقات قبلی که توسط بری (۱۹۷۶) و کاردوسو (۱۹۸۵) همخوان است. همان طور که نتایج نشان می دهد دشواری دریافتن کلمه ها

و لغزش زبانی یعنی چگونگی طرح ریزی و تولید گفتار، به رمز در آوردن گفتار، انتخاب واژه ی مناسب، قالب ریزی کلمه ها توسط کودک کم توان ذهنی دارای خطاهای بیشتری نسبت به کودک عادی است. همچنین کودک کم توان ذهنی آموزش پذیر همان طور که نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد از کلمه های بیشتری به شکل هجوگویی در بیان گفتاری خود استفاده می کند. این نتایج با تحقیقات کارلین و کارلین (۱۹۷۳) مورلی (۱۹۷۲) و روندال (۱۹۸۸) و کاردوسو (۱۹۸۵) فریزر (۱۹۹۸) همخوان می باشد.

با توجه به ضرورت و اهمیتی که پژوهش حاضر دارد تداوم تحقیقات در این مسیر ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد و کسانی که از بضاعت علمی و تجربی لازم برخوردارند باید که به این مهم بپردازند و در صورتی که از امکانات مالی و نیروی انسانی و زمانی گسترده تری به فوردارند موضوع را از جنبه های کمی و کیفی در ابعاد وسیع تری بررسی نمایند و باید دانست توجه بیشتر به نقش و اهمیت زبان و تلاش در برای دستیابی هر چه سریع تر و البته کامل تر کودکان به این فرآیند امر دیگری است که انجام آن ضروری به نظر می رسد.

زیر نویس ها:

1. Karlin
2. Rondal
3. Mondy

#### منابع:

- افروز، غلامعلی (۱۳۷۹). کودکان کم توان ذهنی، مقدمه ای بر روان شناسی و آموزش و پرورش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیاز، زان، پنج گفتار روان شناسی، (ترجمه نیکچهر محسنی، ۱۳۶۰). تهران: انتشارات رشد.
- رابینسون، نانسی، ام و رابینسون. کودکان کم توان ذهنی، (ترجمه فرهاد ماهر، ۱۳۶۸). انتشارات آستان قدس رضوی.
- منصور، محمود، دادستان، پریرخ و راد، مینا، (۱۳۶۵). لغت نامه روان شناسی سازمان چاپ هنر.
- میلانی فر، بهروز، (۱۳۷۹). کودکان و نوجوانان استثنایی. تهران قومس.
- ویگوتسکی، اندیشه و زبان، ترجمه: حبیب قاسم زاد، ۱۳۶۵. انتشارات نشر آفتاب.
- هاشمی. ابراهیم، (۱۳۷۸)، عقب ماندگی ذهنی. انتشارات: دانشگاه تربیت معلم.

- Berry, Paul.(1976). *Language and Impicunition in Mentally Handicaped*. New York:Wiley.
- Cardoso,M.cludio avd others.(1985).(1985).*Early Vocabulary Aquestion by children*. American Journal of mental deficiency.vol.90.pp.177-184.
- Eisenson, J.(1988). *Language and Speech Disorders in Children*.New York: Spiringer.
- Fraser,w.I.(1998).*Speech and Language Development of children*. Journal of Development Medicin and Neurology. 20.pp.106-109.
- Johnson,John.p.(1980).*Nature and Treatment of Articulation disorders*.
- Karlin,Isaac.w.,karlin,David,Gurren,Louis.(1973). *Development. And disorders of speech in childhood*.
- Mundy, Peter; and others.(1988). *Nonverbal Communications Skills in Exceptional children*. Child Development.
- Pardis,Michel.(1973).*The Assesment of Bilingual Aphasia**Journal of child psychology and psychiatry* ;12(6).112-138.
- Rondal, J.A.(1988).*Language Development in International Journal of Bihavioral Development*. V11. P21-36..
- Stassen Berger,k.(1980).*The Development person in familys of young children*.American journal on mental retardation: 66(2).74-85.

